

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: گراهام هارینگتن
فرستنده: عثمان حیدری
۳۱ مارچ ۲۰۱۹

می‌خواهیم کره زمین را نجات دهیم یا امپریالیسم را!؟



تخمین زده می‌شود که یک‌پنجم کل تخریب محیط زیست به تنهایی به علت فعالیت‌های نظامی بوده است. آنتروپوسن (Anthropocene) اصطلاحی است که برای توصیف دوره ای از زمین‌شناسی به کار می‌رود که در آن فعالیت انسان عامل تعیین‌کننده اصلی در نظام زمین بوده است. این نفوذ شدیداً منفی بوده و زمین را به ششمین رویداد انقراضی بزرگ آن سوق داده است. در حالی که سرمایه‌داری این را به مثابه تقصیر کل بشر ترسیم می‌نماید، واقعیت این است که سرمایه‌داری - به ویژه سرمایه‌داری در بالاترین مرحله آن، امپریالیسم - مقصر است. سرمایه‌داری انحصاری دولتی با هر افزایش در تولید ناخالص داخلی، چه در تصمیم طبقه حاکم بریتانیا در ۱۹۱۲ برای جایگزین کردن ذغال سنگ با نفت در کشتی‌های جنگی آن (که بخشی در پاسخ به معدنکاران رزمنده بود)، چه در افزایش مصرف کالاهای تجملی در ایالات متحده پس از رسیدن آن به برتری جهانی، تنزل استانداردهای محیط زیستی را تضمین کرده است. از ۱۹۵۰ به این سو آسیب فاجعه‌باری به محیط زیست وارد آمده و تصادفی نیست که این دوره همچنین عصر طلائی سرمایه‌داری بوده است.

علیرغم این که ایالات متحده الگوی «موفقیت» بازار آزاد بوده است، واقعیت این است که اقتصاد آن هنوز از سقوط ۱۹۲۹ بیرون نیامده است، و فقط به دلیل کینزگرایی نظامی- که صرفاً سرنوشت محتوم آن را به تأخیر انداخته، زنده مانده است. آرت پریس (Art Preis) مؤرخ مارکسیست، نوشت:

«پس از ۱۹۲۹، سرمایه‌داری امریکائی بدون هزینه نظامی و بدهی عظیم، هیچ‌گاه ظاهر ثبات اقتصادی و رشد را به خود ندیده است.» این هزینه نظامی در نتیجه جنگ سرد و خطر جهان سوسیالیستی فقط تشدید شد. نیروهای مسلح ایالات متحده اکنون بزرگترین آلوده کننده جهان است، مصرف‌کننده رتبه اول نفت در جهان و بزرگترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای است، بیش از مجموع پنج شرکت کیمائی امریکائی ضایعات خطرناک تولید می‌کند. آزمایش اتمی و استفاده از اورانیوم رقیق‌شده، عامل نارنجی و غیره، در حالی که آسیب‌های بی‌شماری به بشر وارده آورده اند، تأثیر عظیمی نیز بر کره‌ای که بشر در آن زندگی و کار می‌کند، باقی گذاشته اند. در واقع، تخمین زده می‌شود که یک‌پنجم کل تخریب محیط زیست به تنهائی به علت فعالیت‌های نظامی بوده است. پی‌آمدهای تغییرات اقلیمی گرچه به علت شمار کمی از کشورها است، اما عمدتاً بر فقراء و ستمدیدگان تحمیل می‌شود؛ ۹۹ درصد قربانیان بلاهای آب و هوائی در کشورهای در حال توسعه به سر می‌برند، و ۷۵ درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند.

ثروتمندان می‌توانند ایمنی و مصونیت از بلائی را که خود به وجود آورده اند، بخرند. این فقط درگیری و مهاجرت بیش‌تر از آن کشورها به مناطقی را که مقصد ثروت غارت شده آن‌هاست، موجب می‌شود.

دولت ایرلند، با توجه به موقعیت جغرافیائی آن از این مصون نیست. نیروگاه «مانی‌پوینت» واقع در «کیلروش» در بخش «کلر» یکی از بزرگترین تولیدکنندگان انرژی در کشور است که به وسیله «هیأت عرضه برق» اداره می‌شود. این برای ذغال سنگ خود به معدن سطحی «سرجون» واقع در «لا گواجیرا» در کلمبیا اتکاء دارد، که در آنجا مردم بومی و رهبران اجتماعی را از اشاره کردن به پی‌آمدهای محیط زیستی و اجتماعی معدن می‌ترسانند.

تغییرات اقلیمی یک مسأله سیاسی است و فقط می‌تواند راه‌حل سیاسی داشته باشد. ما را مجبور کرده اند به مثابه فرد با این مقابله کنیم، از گفتن به ما که گوشت نخورید، کم‌تر برانید، یا برخی راه‌های حل فردگرایانه دیگر. در عین حال، مجرمین اصلی فرار می‌کنند. این یعنی فرار طبقه حاکم از مسؤلیت خود. تنها راه‌حل در تغییر نظام سیاسی-اقتصادی قرار دارد. همان‌طور که دیوید هاروی گفته است، همه ما اکنون نولیبرال هستیم.

گرچه اِکو-سوسیالیست‌ها به طور انتزاعی تلاش‌های نیکخواهانه‌ای برای جلب توجه به تغییرات اقلیمی به مثابه پی‌آمدهای سرمایه‌داری به خرج داده اند، اما ما باید از این جلوتر برویم. توسعه نامتوازن است که اجازه می‌دهد این به طور لجام‌گسیخته رخ دهد. این پی‌آمد نظامی است که آن‌طور که مهندسی شده کار می‌کند. ما تنها در سطح ملی می‌توانیم فاجعه محیط زیستی را تغییر دهیم.

چین از طریق افزایش تعداد شرکت‌های انرژی در مالکیت دولت توانسته با آلودگی مقابله نماید. سال گذشته، رئیس‌جمهور ژو جین‌پینگ در سخنرانی خود در کنگره ملی حزب کمونیست چین خواهان یک «تمدن اکولوژیک» شد. کوبای سوسیالیستی در زمینه پیشرفت در کشاورزی از نقطه نظر محیط زیستی پایدار، پیشگام بوده است و یک‌دهم خاک کوبا به مثابه بخشی از یک برنامه ۱۰۰ ساله برای حراست از کشور در برابر تغییرات اقلیمی تحت حفاظت قرار دارد.

این‌ها فقط چند نمونه از چیزی است که یک دولت دارای اقتدار و استقلال و سازگار با محیط زیست می‌تواند انجام دهد. اگر ما قصور نماییم، یک پی‌آمد این خواهد بود که سندی‌کها به نحو فزاینده‌ای خواهند دید که کارگران در گرمای فزاینده

قادر به کار نیستند، این یک شکوه معمولی است اما از نقطه نظر سلامتی و ایمنی موضوع خطرناکی است؛ اما فشار اقتصادی بدین معنی است که همه کارگران نمی‌توانند از کار کردن امتناع نمایند. در حالی‌که چپ، در ایرلند و در خارج، به خاطر کره ما و خود ما از یک مبارزه دفاعی به مبارزه دفاعی دیگر می‌رود، لازم است ما ابتکار عمل را به دست گیریم. این یک موضوع فمینیستی، یک موضوع سندیکائی و یک موضوع صلح است و لازم است که در خط اول تفکر ما باشد. ما یا کره زمین را نجات می‌دهیم یا امپریالیسم را. «به این دلیل که ما را در ارتباط با طبیعت جامعه بشری- در مقابل طبیعت به طور عام- در تاریکی نگه داشته اند- ما اکنون (همان‌طور که دانشمندان نگران مرا مجاب می‌کنند) با فناپذیری کامل این کره که به میزان ناچیزی برای زندگی در آن آماده شده روبه‌رو هستیم.» برتولت برشت.

برای یک اکولوژی ضدامپریالیستی

منبع: صدای سوسیالیستی

تارنگاشت عدالت